

سیاست جنایی و رشد سرمایه‌گذاری

سید محمود میر خلیلی*

چکیده

سیاست جنایی به معنای برنامه‌ریزی سازمان‌یافته برای مقابله با بزهکاری و کاهش آمار آن، علاوه بر آنکه از همه ابزارهای حقوقی قضایی، اقتصادی، فرهنگی و... از جمله سرمایه‌گذاری در جهت اهداف خود استفاده می‌کند، بر بسیاری از زمینه‌ها همچون کاهش یا افزایش رشد سرمایه‌گذاری در جامعه تأثیرگذار است. نوشتار حاضر می‌کوشد ابعاد مثبت و منفی این تأثیرگذاری را بررسی کند و در جهت تقویت ابعاد مثبت و کاهش جنبه‌های منفی، راهکار ارائه نماید. از یک سو، ضعف سیاست جنایی و گسترش ناامنی و بزهکاری در جامعه باعث کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری می‌شود؛ از سوی دیگر، جرم‌انگاری افراطی و به‌کارگیری سیاست جنایی مجازات‌گرایانه و سرکوب‌گر در حوزه‌های اقتصادی باعث فرار سرمایه‌گذاران می‌شود. در پایان، برای تقویت سرمایه‌گذاری و استفاده متقابل از سرمایه‌گذاری برای کاهش بزهکاری، مهم‌ترین راهکارهای سیاست جنایی با استفاده از تدابیر اجتماعی، وضعی و حتی کیفری ارائه می‌گردد. رشد سرمایه‌گذاری از این جهت یکی از ابزارهای مهم سیاست جنایی است؛ زیرا با رشد سرمایه‌گذاری، مشکلاتی مانند تورم، بیکاری، فقر و بسیاری معضلات متفرع بر آنها کاهش می‌یابد و این امر از مهم‌ترین آثار سرمایه‌گذاری در سیاست جنایی و دلایل ضرورت تقویت آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، سرمایه‌گذاری، امنیت، سیاست کیفری، جرم‌انگاری افراطی.

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۴ تاریخ تأیید: ۹۳/۴/۲۸

* دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران (mirkhalili@ut.ac.ir).

مقدمه

مطالعات نظری و تجربی نشان می‌دهد که سرمایه، نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارد. افزایش حجم سرمایه، هم به طور مستقیم به عنوان یکی از عوامل تولید و هم از راه افزایش بهره‌وری عوامل دیگر، باعث بالارفتن اشتغال، تولید و رفاه جامعه می‌شود. سرمایه این قابلیت را دارد که در ترکیب بهینه با نیروی کار و فناوری، بخش تولید را به حرکت درآورد و با رونق تجارت، زمینه‌های بهبود سطح زندگی افراد و رشد اقتصادی را فراهم آورد. فقدان سرمایه یکی از علل اصلی گرفتارشدن بسیاری از کشورها در دور باطل فقر و توسعه‌نیافتگی شناخته شده، علاوه بر آنکه بیکاری گسترده‌ای را به دنبال دارد، باعث عقب‌ماندگی سطح تولید ملی می‌شود و در نهایت به فقر اقتصادی می‌انجامد.

جامعه در صورتی مسیر پیشرفت و تعالی را می‌پیماید که در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و به ویژه در مقابله با بزهکاری، برنامه و سیاست مدون، منسجم و منطقی داشته باشد. سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... هر یک در جای خود بر روند رشد سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت یا منفی دارند؛ ولی در این میان، سیاست جنایی جایگاه ویژه‌ای دارد. هر کشوری برای خود سیاست جنایی خاصی دارد و این سیاست ممکن است بر رهاکردن امور به حال خود و توسل بیش از اندازه به ابزار کیفری مبتنی باشد و یا به عکس، برنامه‌ریزی منسجم برای مقابله با ریشه‌های فردی و اجتماعی جرم و استفاده از سیستمی نظام‌مند در جهت کارکرد مطلوب جامعه با حداقل جرایم باشد؛ بنابراین جدا از بحث سرمایه‌گذاری، دو ضرورت یا هدف در سیاست جنایی وجود دارد که عبارت‌اند از: «موفقیت حداکثری در کاهش آمار جرایم» و «استفاده منطقی و بدون افراط از ابزار کیفری». میان سیاست جنایی و رشد سرمایه‌گذاری، رابطه‌ای دوسویه وجود دارد؛ از یک سو، سیاست جنایی کارآمد و مؤثر باعث ثبات اجتماعی و رشد سرمایه‌گذاری می‌شود؛ از سوی دیگر، افزایش سرمایه‌گذاری باعث کاهش آمار فقر، بیکاری، اعتیاد، طلاق و بسیاری از معضلات اجتماعی می‌گردد که ریشه‌های بزهکاری و از عوامل آن محسوب می‌شوند.

سرمایه‌گذار هنگام تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری، به دو اطمینان نیاز دارد؛ اول، اطمینان از سودآوری و دوم، اطمینان از اینکه تعرض سیاسی، نظامی، حقوقی، فرهنگی و... نسبت به سرمایه او صورت نمی‌گیرد. در پرتو این امنیت است که سرمایه‌ها مسیر درست خود را می‌پیمایند و جذب بازار کار و تولید می‌گردند و افراد جامعه با یافتن شغل مناسب از راه درست و مشروع، نیازمندی‌های خود را تأمین می‌کنند؛ ولی اگر این سیستم در جامعه ناامن گردد و نظم اقتصادی در جامعه فرو ریزد، آثار زیانباری بروز خواهد کرد. سرمایه‌گذار به آن نوع از سرمایه‌گذاری اقدام خواهد کرد که نرخ بازدهی بسیار بالا داشته باشد تا بتواند هزینه وقوع وقایع پیش‌بینی نشده را از محل بازدهی بالای خود بپردازد و در عین حال، از رشد مثبتی نیز برخوردار باشد. بر این اساس، شرط لازم برای تحقق سرمایه‌گذاری، تأمین امنیت در همه شئون مرتبط با آن است. به رغم این ضرورت، شواهد نشان می‌دهد که گاهی سرمایه‌گذاران ایرانی داخل کشور را بستر مناسبی برای به کار انداختن سرمایه‌های خود تشخیص نمی‌دهند و فرصت‌های دیگر را بر سرمایه‌گذاری در داخل مقدم می‌دارند. داشتن سیاست‌های پویا برای سرمایه‌گذاری، سهم عمده‌ای در رشد اقتصادی کشورها دارد. سرمایه‌گذاری بیشتر باعث می‌شود زیرساخت تکنولوژیکی و افزایش بهره‌وری چه در سرمایه‌های فیزیکی و چه در سرمایه‌های انسانی امکان‌پذیر شود (مقصودی قجرلو، ۱۳۸۲، ص ۴۹). آمار نشان می‌دهد با احتساب قیمت‌های جاری در هفتاد سال اخیر، به طور میانگین فقط حدود دوازده درصد از تولید ناخالص داخلی واقعی کشور به سرمایه‌گذاری اختصاص یافته است (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۱).

در اینجا به آیاتی از قرآن کریم اشاره خواهیم کرد که امنیت را مقدمه توسعه و وسعت رزق می‌داند:

إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ: چون ابراهیم گفت: پروردگارا! این سرزمین را شهری امن گردان و مردمش را از فرآورده‌ها روزی بخش (بقره: ۱۲۶).

در آیه دیگری می‌فرماید:

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ: خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود و روزی‌اش از هر سو می‌رسید (نحل: ۱۱۲).

خداوند در این دو آیه شریفه، برقراری امنیت را پیش شرط وسعت و گشایش روزی معرفی می‌کند؛ چون با برقراری امنیت، انسان به سرمایه‌گذاری و تولید راغب می‌گردد و با سرمایه‌گذاری و تولید، کالاها فراوان و قیمت‌ها ارزان می‌شود. روشن است که این فرآیند، شکوفایی اقتصادی را به دنبال دارد (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۳۶۲).

در این نوشتار این پرسش‌ها مطرح است که مهم‌ترین راهبردهای سیاست جنایی مؤثر بر افزایش سرمایه‌گذاری کدام است؟ و اساسی‌ترین چالش‌هایی که سرمایه‌گذاری در کشور را دچار مشکل می‌کند، چیست؟ در پاسخ به این پرسش‌ها به نظر می‌رسد اتکای کمتر به کیفر و استفاده بیشتر از راهکارهای غیرکیفری مقابله با بزه، مقابله با رانت‌خواری، فساد اداری، آدم‌ربایی و اخاذی و مداخله حداقلی در محدودکردن فعالیت‌های اقتصادی، از مهم‌ترین ضرورت‌های سیاست جنایی در جهت تقویت سرمایه‌گذاری است. از سوی دیگر، جرم‌انگاری افراطی به ویژه در حوزه فعالیت‌های اقتصادی، ناتوانی در مقابله با بزهکاری به ویژه جرایم علیه سرمایه، عدم برخورد جدی با واسطه‌ها و افراد قانون‌گریز، از مهم‌ترین چالش‌های مؤثر بر نبود سرمایه‌گذاری است. این مقاله رویکردهای گوناگون سیاست جنایی به سرمایه‌گذاری را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ از یک سو، یک سیاست جنایی کارآمد، امنیت سرمایه‌گذاری را تضمین می‌کند؛ از سوی دیگر، به عکس مقررات سرکوب‌گر و دست‌وپاگیر افراطی آن، باعث کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران می‌شود. ورود دولت و نهادهای دولتی در عرصه رقابت اقتصادی نیز باعث کاهش انگیزه آنان بر سرمایه‌گذاری می‌شود.

۱. مفاهیم

پیش از ورود به مباحث ماهوی لازم است به مفهوم برخی عناوین ضروری برای زمینه‌سازی پرداختن به عناوین اصلی اشاره شود.

۱-۱. مفهوم سیاست جنایی (Criminal Policy)

هر جامعه‌ای برای سامان‌دادن به امر مقابله با بزهکاری، سیاست جنایی خاص خود را به کار می‌گیرد. سیاست جنایی در مفهوم مضیق خود معادل سیاست کیفری و سازمان‌دادن به اقداماتی است که به وسیله نهادهای قضایی و انتظامی در مقابله با

بزهکاری انجام می‌شود؛ ولی در مفهوم موسّع، علاوه بر توسل به نظام کیفری (حقوق جزا)، استفاده از ابزارها و راهکارهای فاقد رنگ کیفری را شامل می‌شود که جنبه اداری و حتی مردمی و غیردولتی دارند. سیاست جنایی در مفهوم موسّع به وسیله خانم دلماس مارتی این‌گونه تعریف شده است:

مجموعه روش‌هایی که به وسیله آن بدنه اجتماع (هیئت اجتماع) پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازمان‌دهی می‌کند (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۴).

همه تدابیری که هدف مستقیم یا غیرمستقیم آن کاهش آمار بزهکاری باشد، می‌تواند ذیل عنوان سیاست جنایی مورد بحث قرار گیرد؛ برای مثال، فقر، بیکاری و مشکلات اقتصادی اگر در جرم‌شناسی به عنوان عوامل جرم‌زا مورد بحث قرار می‌گیرند، سیاست جنایی آنها را در زمان و مکان خاص مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و مقابله با آنها را به عنوان بخشی از سیاست‌هایی که باید در جهت مبارزه با بزهکاری در این جامعه مورد توجه قرار گیرند، تجزیه و تحلیل می‌کند و راهکار عملی ارائه می‌دهد.

۲-۱. مفهوم سرمایه‌گذاری (Investment)

از سرمایه‌گذاری تعریف‌های متعددی شده است که به برخی اشاره می‌کنیم:

۱. فداکردن یک ارزش در زمان حال (که معمولاً مشخص است)، به امید به دست آوردن هرگونه ارزش در زمان آینده (که معمولاً اندازه یا کیفیت آن نامعلوم است)؛ مثل پرداخت وجهی بابت خرید سهام به امید به دست آوردن سودهای مشخصی از آن در آینده.

۲. سرمایه‌گذاری عبارت است از تبدیل وجوه مالی به یک یا چند نوع دارایی که برای مدتی در زمان آتی نگهداری خواهد شد (هاشم‌خانی، ۱۳۹۰، ص ۲۹).

۳. سرمایه‌گذاری عبارت است از عدم استفاده از منابع در زمان حال و به جریان‌انداختن اقتصادی آن به امید به دست آوردن منابع جدید در آینده که منابع جدید از منابع فعلی با ارزش‌ترند.

۴. سرمایه‌گذاری عبارت است از جریان مخارجی که صرف افزایش یا تثبیت حجم سرمایه واقعی می‌شود. به عبارت دیگر، جریان مخارج اختصاص‌یافته به طرح‌های تولید

کالاهایی که قصد مصرف فوری آنها در میان نباشد (Walter, 2010, p.2).

۳-۱. مفهوم امنیت سرمایه‌گذاری

امنیت سرمایه‌گذاری به وضعیتی گفته می‌شود که سرمایه‌گذار اطمینان داشته باشد که سود و اصل سرمایه او در مقابل عواملی که تحت کنترل او نیست، ایمن باشد و نیز از ارزش آن کاسته نشود (رهبر و مظفری خامنه، ۱۳۸۶، ص ۵۹). سرمایه‌گذاری را شاید بتوان به عنوان تلاشی برای افزایش دارایی‌ها یا به کارگیری سرمایه‌های موجود دانست. سرمایه‌های موجود شامل همه سرمایه‌های فیزیکی، غیرفیزیکی و انسانی است که طیف وسیعی از دارایی‌ها را تشکیل می‌دهد. این دارایی‌ها عملاً عوامل تولید را تشکیل می‌دهند که پس از قرارگرفتن در پروسه تولید، به عرضه کالاهای مورد نیاز و قابل استفاده جوامع منجر خواهد شد (بیدآباد، ۱۳۷۷، ص ۸).

سرمایه‌گذار باید اطمینان حاصل کند که قوانین و قواعدی برای حراست از سرمایه‌های او وجود دارد که مسئولان با همه توان، سعی در اجرای آنها دارند. به این ترتیب، یک سرمایه‌گذار به عنوان دارنده یک هویت مستقل اقتصادی باید از روابط اطراف خود به روشنی آگاه باشد و مطمئن باشد آنچه به او وعده داده‌اند، یک به یک اجرا می‌شود و بازگشت‌ناپذیر است. روشن است منظور از ایجاد چنین وضعی، فراهم‌آوردن امکان انواع زد و بندها و یا احتکار و قاچاق کالا، در سایه برقراری امنیت اقتصادی مورد نظر مرتکبان چنین اعمال خلافی نیست، بلکه منظور این است که اگر شخصی شرکتی تأسیس کرد، بداند که از کدام حقوق قانونی و از چه امتیازهایی برخوردار است و کدام کالاها را می‌تواند آزادانه وارد و یا صادر کند. از این دید، وجود قانون یکی از ضرورت‌های برقراری امنیت اقتصادی و یکی از پایه‌ها و ستون‌های اصلی آن است؛ زیرا در روابط اقتصادی، تا قانون مشخص و روشنی وجود نداشته باشد، امنیت اقتصادی وجود خارجی نخواهد داشت (جامی، ۱۳۷۳، ص ۵۶).

۲. ضرورت امنیت اقتصادی و سیاسی به عنوان مهم‌ترین پیش‌نیاز سرمایه‌گذاری

امنیت اقتصادی و سیاسی مهم‌ترین پیش‌نیازهای توسعه سرمایه‌گذاری‌اند که دولت‌ها

باید مورد توجه قرار دهند تا میل و رغبت سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری افزایش دهند. این دو ضرورت را به اجمال مورد اشاره قرار می‌دهیم.

۱-۲. امنیت اقتصادی

سرمایه، یکی از مهم‌ترین نهاده‌های تولید است و ماهیتی تهدیدپذیر و در نتیجه سریعاً آسیب‌پذیر دارد. هنگامی که ناامنی و بی‌ثباتی مثلاً در زمان انقلاب و یا آشوب و جنگ بر کشوری حاکم شده، یا به لحاظ سیاست‌گذاری نادرست، سرمایه‌مورد بی‌توجهی دولت قرار گرفته، امنیت سرمایه‌گذاری دچار اختلال گردیده و سرمایه‌گذاری به شدت کاهش یافته است. سرمایه و سرمایه‌گذار برای آغاز کار و فعالیت و اعتماد نسبت به برخورداری از نتیجه زحمات و کار و کوشش خود به فضایی مساعد نیازمندند. چنانچه گروه‌های سرمایه‌گذار نسبت به برخورداری از نتیجه کار خود دچار تردید شوند، طبیعتاً به کشورها و جوامع امن‌تری نقل مکان خواهند کرد (کرباسیان، ۱۳۷۵، ص ۵۴). در صورتی که سیستم اقتصادی به صورت صحیح و منطقی طراحی شود، ریسک سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود که در این صورت، ریسک کمتر به عوامل برون‌زا تعلق می‌یابد و بیشتر متوجه عوامل درون‌زا (روش سرمایه‌گذاری) می‌گردد (رهبر و مظفری خامنه، ۱۳۸۶، ص ۵۹).

دولت‌هایی که توانسته‌اند کیفیت امنیت اقتصادی را در کشور خود به سرمایه‌ای ملی تبدیل کنند، باعث سهولت جذب سرمایه‌های خارجی به کشور خود شده‌اند. هم‌اکنون سالیانه میلیاردها دلار سرمایه از کشورهای آشوب‌زده جهان به کشورهای «امن‌تر» جهان سرازیر می‌شود. کشور سوئیس که فاقد هرگونه منابع طبیعی مهمی است، فقط با تأمین امنیت مالی نسبتاً بالا، سالیانه میلیاردها دلار به شبکه بانک‌های غیردولتی خود جذب می‌کند. حتی در مواردی از این سرمایه‌ها به جای پرداخت بهره، بهره هم دریافت می‌کند. از نگاه سرمایه‌گذاران بین‌المللی، امنیت سرمایه‌گذاری زمانی در ایران وجود خواهد داشت که مؤسسات برآوردکننده ریسک، ایران را امن اعلام کنند. مؤسسات مزبور زمانی حضور امنیت در جمهوری اسلامی ایران را تأیید خواهند کرد که عناصری که به زعم آنها باعث ناامنی در اقتصاد ایران شده است، از میان برود (حسین‌زاده

بحرینی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱). عوامل اقتصادی رکود سرمایه‌گذاری شامل مواردی مانند ساختار دولتی دارای زمینه برای رانت‌گرایی، سیاست‌های حمایتی تبعیض‌آمیز و سیاسی‌شدن مدیریت اقتصادی، عدم تعریف روشن جایگاه بنگاه‌های اقتصادی در کشور است که عموماً به اعطای امتیازات انحصاری، پرداخت ناعادلانه حقوق و دستمزد و عدم کنترل قیمت منجر می‌گردد. وجود بازارهای ناقص مالی، پولی و بانکی، تأثیرگذاری نوسانات قیمت نفت، تورم مزمن و نگرانی‌های مربوط به رشد عرضه پول، کسری بودجه به همراه وضعیت نامطلوب تراز پرداخت‌ها و ذخایر ارزی که به کندشدن رشد اقتصادی منجر می‌شود، افزایش بدهی‌های خارجی، بزرگ و پُرهزینه‌بودن دولت، نظام مالیاتی ناکارآمد و دست‌وپاگیر، ناکافی و غیرمطمئن‌بودن زیرساخت‌های مورد نیاز برای کسب و کار در کشور، ناکارآمد و غیرشفاف‌بودن بازار کار، فراهم‌بودن زمینه برای قاچاق گسترده کالا و خدمات، شکاف میان انتظارات مردم و عملکرد اقتصادی دولت مطالعات (رهبر و مظفری خامنه، ۱۳۸۶، ص ۶۳).

۲-۲. امنیت سیاسی، لازمه امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی بدون امنیت سیاسی قابل تحقق نیست. در درجه اول باید امنیت سیاسی وجود داشته باشد تا در سایه آن، امنیت اقتصادی نیز بتواند به وجود آید و ادامه حیات دهد. هرچه امنیت سیاسی در یک جامعه بیشتر باشد، امنیت اقتصادی در درجه بالاتری قرار دارد. به این ترتیب، در جوامع مردم‌سالار، امنیت اقتصادی به مراتب بیش از جوامعی است که در آنها حکومت‌های دیکتاتوری وجود دارد و یا حکومت‌هایشان مرتب در حال تغییرند و ثبات ندارند. در چنین اوضاع و احوالی، سرمایه‌گذار می‌پندارد چون اعتمادی به آینده نیست، اگر سود سرمایه‌اش را هرچه زودتر برداشت نکند، ممکن است فرصت این کار را از دست بدهد و وضعش درهم بریزد. ثبات و امنیت اقتصادی سبب غلبه‌کردن منافع بلندمدت سرمایه‌گذاران بر منافع گذرا و کوتاه‌مدت آن می‌شود و نتایج مفید و ثمربخش آن نیز به طور مستقیم به جامعه بازمی‌گردد. بی‌ثباتی و عدم امنیت اقتصادی نیز گرایش به سوی منافع کوتاه‌مدت اقتصادی را شدت می‌بخشد و در این شرایط دیگر کسی به فکر آن نیست که کالایی را تولید و یا وارد کند که دوام

بیشتری داشته باشد تا به جلب اعتماد مصرف‌کنندگان برای تولیدات و یا واردات آینده بیانجامد. نتیجه این امر از دست‌دادن مشتریان و بازگشت به رکودی است که از عدم اعتماد مصرف‌کنندگان به عملکرد آنان ناشی شده است (جامی، ۱۳۷۳، ص ۵۷).

برخی پژوهشگران در بررسی خود ثابت کرده‌اند که متوسط نرخ رشد اقتصادی، ارتباط مثبت با ثبات سیاسی دولت‌ها دارد و باعث احترام‌نهادن به حقوق مالکیت در جوامع می‌شود (Barro, 1989, p.3). عوامل سیاسی مانند منازعه میان گروه‌های سیاسی رقیب برای کسب قدرت، ناکافی بودن ثبات سیاسی و تغییرات زودهنگام رهبران، ضعف حراست قانونی از مالکیت خصوصی، محدودیت مالکیت خارجی در داخل کشور، وجود محدودیت در مقابل صنایع و شرکت‌های داخلی برای همکاری مطلوب با سرمایه‌گذاران خارجی، محدودیت بانک‌های خارجی برای افتتاح شعبه در کشور، عوامل فرهنگی - اجتماعی مانند شفاف‌نبودن فرآیند انجام کار در سازمان‌های دولتی، دیوانسالاری و بروکراسی اداری، ضعف نظام کیفری و قضایی، محترم شناخته‌نشدن حقوق مالکیت معنوی در تئوری و عمل، زمان‌بر بودن فرآیند دادرسی و قابل پیش‌بینی نبودن نتایج داورها، ضعف روحیه کارآفرینی، پایین بودن وجدان کاری، عدم شفافیت لازم در قوانین و مقررات، ضعف پاسخگویی دولت به مردم، ضعف به‌کارگیری کارگزاران شایسته برای تصدی مشاغل کلیدی و حساس، فساد در دستگاه اداری و نیز عوامل امنیتی دفاعی مانند فراهم‌بودن رواج قاچاق کالا و ارز، فقدان نظام نظارتی جامع، منسجم و کارآمد، اعمال مدیریت سیاسی بر دستگاه‌های نظارتی، ضعف ضوابط و مدیریت منسجم در عقد قراردادهای خارجی است (رهبر و مظفری خامنه، ۱۳۸۶، ص ۶۴).

۳. برخی سیاست‌های اقتصادی مرتبط با سیاست جنایی

از آنجا که سیاست جنایی در مفهوم موسّع بر تدابیر غیرکیفری پیشینی از جمله سیاست‌های اقتصادی نیز مشتمل می‌باشد؛ بنابراین آن دسته از سیاست‌های اقتصادی که با هدف مهار بزهکاری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، بخشی از موضوعات مورد توجه سیاست جنایی را تشکیل می‌دهد. تنظیم سیاست‌های

اقتصادی در جهت فقرزدایی، رفع بیکاری یا کاهش فاصله طبقاتی و مانند آن و رفع موانع سرمایه‌گذاری به منظور کاهش آمار جرم، گاهی تأثیر مثبت یا منفی بر سرمایه‌گذاری دارد که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۳. احترام به مالکیت خصوصی

دیدگاه یک نظام حقوقی درباره موضوع مالکیت و حدود و ثغور آن اعم از مالکیت خصوصی، بر سرمایه‌گذاری تأثیرگذار است. اسلام مالکیت شخصی و خصوصی را پذیرفته، آن را مشروع دانسته است و از این رو، با نظام سوسیالیزم تفاوت کلی دارد؛ ولی مالکیت مورد قبول اسلام خلاف چیزی است که در نظام سرمایه‌داری پذیرفته شده است؛ زیرا مالکیت مورد پذیرش نظام سرمایه‌داری، مالکیت مطلق است.

برخی با این دیدگاه که در اسلام آزادی اقتصادی مقید است، موافق نیستند، بلکه معتقدند به عکس در اسلام، آزادی اقتصادی گسترده‌تر از نظام‌های دیگر است؛ زیرا هیچ نظام قانونی یافت نمی‌شود که آزادی را مقید نکرده باشد. در شریعت اسلام نیز آزادی بدون قید نیست؛ ولی قیدهای آن از کمترین حد لازم تجاوز نمی‌کند. این قیدها برای حفظ آزادی دیگران از تعدی و برای حمایت از آینده، معامله‌ها از راه الزام دو طرف معامله به اصولی اخلاقی است که آنها و نسل‌های پس از آنان را صیانت می‌کند (قحف، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸).

۲-۳. حمایت از سرمایه‌گذاران زیان‌دیده

سیاست‌های اقتصادی در اسلام، از یک سو راه را بر مصرف افراطی سرمایه‌های اجتماعی به وسیله عده خاصی می‌بندد و از سوی دیگر، کمبودها و کاستی‌های اقبال آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده را به گونه‌ای صحیح جبران می‌کند و در نهایت زمینه‌ساز امنیت سرمایه‌گذاری، سودآوری و افزایش تولید و مصرف در حد معقول می‌گردد؛ مثلاً سیاست‌های مالی در نظام اسلامی، به علل متعددی انگیزه سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و این امر باعث کاهش نابرابری‌های زیاد و بحران‌های اجتماعی ناشی از آن می‌گردد؛ مثلاً از جمله مصارف زکات، پرداخت بدهی افرادی است که ورشکست

شده‌اند و توانایی پرداخت بدهی خود را ندارند. بخشی از خمس نیز می‌تواند در این راه مصرف شود. این امر باعث امنیت سرمایه‌گذاری و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و کاستن از آسیب‌های ناشی از زندان از جمله فزونی نرخ تکرار جرم می‌گردد. رواج بازار قرض‌الحسنه و تداوم فعالیت‌های اقتصادی جامعه به ویژه برای کسانی که اندیشه‌ها و طرح‌های اقتصادی سرمایه‌آفرینی دارند، از جمله پیامدهای مصرف صحیح زکات و خمس است. همچنین، می‌توان تدابیری اندیشید که کسانی که به ادای فرایض دینی اقتصادی مانند خمس و زکات اهتمام دارند، از امتیازات و مساعدت‌های ویژه به هنگام مواجهه با بحران‌ها و مشکلات اقتصادی بهره‌مند گردند تا از این راه هم رغبت مردم به انجام این‌گونه فرایض بیشتر شود و هم سهم مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی مفید برای عموم جامعه بیشتر شود و هم در واقع آسیب‌مندی چاره‌اندیشی‌های مناسب برای آنان به عمل آید تا در معرض رفتارهای انحرافی و مجرمانه قرار نگیرند. همچنین، می‌توان از زکات و نیز بخشی از خمس در جهت سیاست‌های رفع فقر و نیازمندی‌های اساسی مردم، ایجاد اشتغال و رفع بیکاری، آموزش، بهداشت و... که از جمله سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیری اجتماعی از جرم است، استفاده کرد (فراهانی فرد، ۱۳۸۱، ص ۳۱۰).

۳-۳. مقتضیات سرمایه‌گذاری

از آنجا که سرمایه‌گذاری باعث گسترش تولید، اشتغال، ثروت و رفع فقر و محرومیت می‌شود و معضلات منجر به بزهکاری را کاهش می‌دهد، یکی از ابزارهای سیاست جنایی برای مقابله با بزهکاری است؛ بنابراین به برخی ضرورت‌ها و مقتضیاتی که باید وجود داشته باشد تا سرمایه‌گذاری دارای ثبات و دوام باشد، اشاره می‌کنیم (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۱۵۳).

۳-۳-۱. هماهنگی با عقاید و فرهنگ عمومی جامعه

نظام مالی، نهادها و ابزارهای مورد استفاده در بازار پول و سرمایه در درجه اول باید با فرهنگ عمومی مردم به ویژه با اعتقادات دینی و مذهبی آنان سازگار باشد؛ زیرا در غیر

این صورت، استمرار و پایداری لازم را نخواهند داشت و به تدریج از عرصه مبادلات خارج خواهند شد. مؤسسه‌های گوناگونی وجود دارند که در طول پنجاه سال گذشته پدید آمده‌اند و به رغم درخشش‌های اولیه، به دلیل مخالفت‌های مراجع مذهبی و متدینان به تدریج رو به افول گذاشته‌اند.

۲-۳-۳. همسویی با اهداف و انگیزه‌های شرکت‌کنندگان

یک نظام مالی موفق باید به اهداف و انگیزه‌های شرکت‌کنندگان (عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه) توجه کافی داشته باشد تا بتواند به صورت مستمر و فزاینده توجه آنان را به مشارکت جلب کند. روشن است که این اهداف و انگیزه‌ها در افراد گوناگون، حتی در یک فرد متفاوت است. می‌توان اهداف گوناگونی را برای عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه، در جامعه ایرانی اسلامی مطرح کرد؛ از جمله: اهداف عرضه‌کنندگان وجوه، حفظ و نگهداری وجوه، تسهیل در مبادلات پولی، کسب سود، مشارکت در اعطای قرض‌الحسنه برای رسیدن به ثواب معنوی و اخروی، کمک به عمران و آبادانی کشور و اهداف متقاضیان وجوه، تهیه پول برای خرید کالاها و خدمات، تهیه سرمایه در گردش کوتاه‌مدت برای فعالیت اقتصادی، تهیه سرمایه بلندمدت برای فعالیت اقتصادی. نظام مالی جامع باید نهادها و ابزارهای کافی برای پاسخگویی به همه این اهداف را داشته باشد تا همه عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان وجوه بتوانند به وسیله آنها به اهداف و مقاصدشان دست یابند.

۳-۳-۳. شفافیت اطلاعات

تنوع اهداف، انگیزه‌ها و روحیات مشتریان بازارهای پولی و مالی اقتضا می‌کند مؤسسه‌های فعال در آن بازار از جهت حوزه کاری، ابزارهای مالی، قراردادهای و نرخ‌ها، اطلاعات دقیق و روزآمد به مشتریان بدهند و آنان را در انتخاب بهینه یاری کنند. مرزبندی مشخص کاری میان مؤسسات باعث شکل‌گیری کالاهای مالی یکسان شده، رقابت را بالا می‌برد؛ در نتیجه حاشیه سود واسطه‌گری و زمینه‌های بورس‌بازی کاذب از میان می‌رود و سود صاحبان وجوه و متقاضیان وجوه افزایش می‌یابد.

۳-۳-۴. قابلیت انطباق با بازارهای مالی بین‌المللی

گرچه دغدغه اصلی بازار پولی و مالی، سامان‌دادن عرضه و تقاضای وجوه داخلی است؛ ولی با پیشرفت‌های بازارهای مالی بین‌المللی و گسترش ارتباطات و همکاری‌های فراملی نمی‌توان به بازار مالی داخلی بسنده کرد، بلکه باید در طراحی نهادها و ابزارها حداکثر دقت و ظرفیت را به کار برد تا در مواقع نیاز، چه در طرف عرضه سرمایه نقدی و چه در طرف تقاضا بتوان با بازارهای پولی و مالی بین‌المللی به ویژه کشورهای اسلامی تعامل داشت (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۱۵۳).

۳-۴. موانع سرمایه‌گذاری

هر سرمایه‌گذار با تخصیص منابع گوناگون سرمایه به امر سرمایه‌گذاری، پیش از هر چیز، سود و زیان آتی خود را بررسی می‌کند. در این ارزیابی، وی تصمیم می‌گیرد منابع خود را به چه نوع فعالیت‌های سرمایه‌گذاری اختصاص دهد که در کل دوران پروژه، حداکثر بازدهی را داشته باشد. به عبارت دیگر، چنانچه سود وی در یک شاخه کمتر از شاخه دیگر باشد، شاخه دوم را انتخاب خواهد کرد. در زمانی که ریسک سرمایه‌گذاری قابل توجه باشد، هزینه اضافی ریسک موجود که ناشی از وقایع پیش‌بینی نشده است، باعث افزایش هزینه هر واحد سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش سود خواهد شد. چنانچه میزان خسارت وقایع پیش‌بینی نشده بیش از اندازه باشد، باعث منفی شدن سود نیز خواهد شد و سرمایه‌گذار را حتی به ورشکستگی می‌کشاند. برخی موانع سرمایه‌گذاری یا به تعبیر دیگر، عوامل کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری عبارت‌اند از:

۳-۴-۱. وقایع پیش‌بینی نشده

وقوع حوادث طبیعی، تغییر قیمت‌ها و نرخ‌ها، تغییر تصمیمات، مقررات و قوانین موضوعه دولت، اغتشاشات داخلی و تحولات خارجی و... جزء وقایع پیش‌بینی نشده است. چنانچه احتمال وقوع وقایع پیش‌بینی نشده در اقتصاد زیاد باشد، نرخ ریسک به شدت زیاد خواهد بود. شرط لازم برای تحقق سرمایه‌گذاری، تأمین امنیت در همه شئون مرتبط با آن است. حوادث طبیعی، مانند: سیل، زلزله، طوفان، برودت یا حرارت

شدید، اغتشاشات داخلی و جنگ، مصادره اموال و سرمایه‌ها به وسیله دولت و وضع مقررات ویژه در تعیین مجدد حدود و ثغور مالکیت سرمایه، تغییر نظام حکومتی و مانند آن گاهی اصل سرمایه را به خطر می‌اندازد.

در برخی موارد دیگر خطری متوجه اصل سرمایه نیست، بلکه عدم اطمینان را متوجه بازده سرمایه می‌کند. این نوع عدم اطمینان عملاً باعث افزایش هزینه تولیدات می‌شود و باعث خواهد شد بنگاه‌هایی که از لحاظ اقتصادی ضعیف‌ترند، عملاً از صنعت مورد نظر خارج شوند و فقط بنگاه‌هایی در بازار خواهند ماند که بتوانند با پوشش خود در مقابل این پدیده‌ها همچنان سود مثبت نیز داشته باشند. تغییر قیمت‌ها، مصادره تولیدات بنگاه‌ها، اعتصابات کارگری، تغییر قیمت کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه یا سهمیه‌بندی آنها و یا تغییر در میزان سهمیه بنگاه‌ها، ضایعات احتمالی بیش از حد در پروسه تولید، تغییر تکنولوژی و نوآوری‌ها، تغییر سلیقه مصرف‌کننده و تغییر الگوی مصرف، قوانین ضداحتکار و انبارکردن کالاها، اشتباهات مدیریتی، وضع قوانین دست‌وپاگیر یا وضع سیاست‌های تحدیدکننده به وسیله دولت، کنترل‌های ارزی و تغییر ارزش پول ملی از این دست می‌باشد (بیدآباد، ۱۳۷۷، ص ۹).

۲-۴-۳. افزایش هزینه‌های تولید

یکی دیگر از مواردی که عملاً مانع تشکیل سرمایه می‌شود، افزایش هزینه‌های تولید است. معمولاً دولت‌ها برای اعمال نظریات خود از ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، به وضع مقررات متعددی اقدام می‌کنند که باعث افزایش هزینه تولید می‌شود. چنانچه این‌گونه افزایش‌ها در هزینه تولید پایدار باشد، باعث تخصیص مجدد منابع در میان مدت خواهد شد؛ ولی چنانچه این‌گونه سیاست‌ها با نوسانات خاصی همراه باشد، از راه افزایش نرخ ریسک، باعث تحدید تولید و سرمایه‌گذاری فیزیکی خواهد شد؛ مواردی مانند: مالیات‌ها، عوارض و تعرفه‌ها، مشارکت اجباری کارفرمایان در بیمه‌های اجتماعی و کارگری، استانداردهای اجباری، هزینه‌های ناشی از اعطای مجوزها به وسیله دولت و دستگاه‌های دولتی. برخی از سیاست‌ها و مقررات دولتی را می‌توان مورد اشاره قرارداد که باعث کاهش سود تولیدکننده و در نتیجه، کاهش سرمایه‌گذاری

خواهند شد؛ برای مثال، به سیاست‌های مداخله در بازار به شکل تعیین قیمت کالاها و قیمت‌گذاری‌های دولتی و کنترل مستقیم قیمت به وسیله دولت می‌توان اشاره کرد که مستقیماً باعث کاهش سود تولیدکننده می‌شود و عملاً از موانع عمده تشکیل سرمایه به شمار می‌رود (همان، ص ۱۰).

۳-۴-۳. حمایت گسترده سیاست جنایی از اشتغال و کارگر

از نگاه سیاست جنایی، بیکارشدن کارگران باعث ازدیاد بزهکاری می‌باشد؛ بنابراین تلاش گسترده‌ای در جهت ممانعت از بیکاری آنان صورت می‌گیرد. از جمله این تلاش‌ها محدودکردن کارفرمایان و سرمایه‌گذاران در اخراج و تعویض کارگران است. این سلب اختیار از یک سو باعث جلوگیری از ظلم به کارگر به وسیله برخی افراد است؛ ولی از سوی دیگر، برخی کارگران کم‌کار و بی‌انضباط از آن سوء استفاده می‌کنند و به همین دلیل، این قاعده به عنوان مانعی بر راه سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی مطرح است. ضرورت حمایت از طبقات کارگری نیز محل تردید نیست. طبق گزارش سازمان بین‌المللی کار (ILO)، سالانه ۲۷۰ میلیون کارگر و کارمند قربانی سوانح ناشی از کار می‌شوند که ۱۶۰ هزار نفر آنها مستقیماً به واسطه نوع کارشان دچار امراض حاد و کشنده شده‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که شمار کارکنانی که هنگام انجام شغلشان جان می‌سپارند، بیش از دو میلیون نفر در سال است. بر این اساس، کار همه‌روزه پانصد نفر را می‌کشد و البته «واقعیت بیش از این آمارهاست» (غم‌امی، ۱۳۸۵، ص ۲۲)؛ بنابراین سیاست جنایی علاوه بر دغدغه حمایت از سرمایه و تقویت سرمایه، دغدغه‌های دیگری مانند جلوگیری از اجحاف و جرایم علیه کارگران را نیز دارد که گاهی در تقنین و قضا با منافع سرمایه‌گذاران در تضاد و تعارض است.

دولت‌ها در حمایت مستقیم از سرمایه‌گذاری زمانی که با موضوع کار و اشتغال کارگران در تعارض باشد، دچار تردید می‌شوند و گاهی اشتغال کارگران را در اولویت قرار می‌دهند؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که در قوانین کار بسیاری از کشورها از جمله ایران، با وضع قواعد آمره اخراج کارگران به وسیله کارفرمایان مقید به قیودی می‌شود و کارفرما در این امر اختیار مطلق ندارد؛ برای مثال، محدودیت‌های اخراج کارگر در مواد

۱۵ تا ۲۰ قانون کار جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، از این دست می‌باشد. در ماده ۲۱ موارد باعث انقضای قرارداد به نفع کارگر تنظیم شده بود؛ ولی قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی مصوب جلسه علنی مورخ ۱۳۸۶/۵/۷ مجلس شورای اسلامی در بند (ب) ماده ۸ یک بند با عنوان پیش‌بینی حق فسخ در قرارداد را یکی از موارد انقضا اضافه می‌کند. این بند جنبه آمره بودن حقوق کار را تضعیف کرده، زمینه تضييع حقوق کارگران و سوء استفاده از آنان را فراهم می‌سازد؛ زیرا در وضعیت اقتصادی کنونی شرایط برابر قراردادی وجود ندارد. قانون کار ایران نیز برخی حمایت‌های خاص از کارگران دارد که می‌توان به ممنوعیت کار اجباری، اضافی و خطرناک (مواد ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵ و ۱۷۶)، کار زنان (مواد ۱۷۳، ۱۷۴ و ۱۷۶)، کار کودکان و نوجوانان (ماده ۱۷۶)، مسائل بهداشتی و ایمنی (مواد ۱۷۵، ۱۷۶ و ۱۷۷)، مسائل رفاهی کارگران (ماده ۱۷۳) و فعالیت‌های اجتماعی کارگران (ماده ۱۷۸) اشاره کرد.

۴-۴-۳. کارگزاری دولت به جای حفظ امنیت اقتصادی

حضور مستقیم دولت در فعالیت‌های اقتصادی برای تنظیم سیاست‌های اقتصادی کنترل بزهکاری و تخلفات و یا به هر دلیل دیگر، باعث تضعیف سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود. هنگامی که امنیت اقتصادی در کشور رو به افول بگذارد، بیکاری نیروی کار آشکارتر و وسیع‌تر می‌شود. نیروی کار شاغل نیز ناراضی‌تر خواهد شد؛ در نتیجه فرار سرمایه‌ها شدت می‌یابد و سرمایه‌گذاری سیر نزولی خواهد یافت. در این حالت، دولت برای حفظ بقای اقتصادی خود هر زمان و هر کجا که مردم از فعالیت تعلل ورزند، با سرمایه‌های عمومی وارد عمل می‌شود و به جای بخش خصوصی به تولید کالا و خدمات خواهد پرداخت.

جایگزین شدن دولت، مالکیت و تصدی دولتی را گسترش خواهد داد و جامعه را به مسیری خطرناک هدایت خواهد کرد. اینکه سهم تولید ناخالص ملی ایران در بخش دولتی به حدود ۸۵ درصد رسیده است، به روشنی گویای کیفیت امنیت اقتصادی در کشور است (کرباسیان، ۱۳۷۵، ص ۵۵). دولت وقتی متورم و بزرگ می‌شود، از جایگاه اصلی‌اش که «حفظ امنیت اقتصادی» است، بیرون می‌رود و به یک تاجر و کارگزار

اقتصادی تبدیل می‌شود که همه فعالیت‌های اقتصادی را خودش می‌خواهد انجام دهد. این وضع، دولت را از وظیفه اصلی که حفاظت از امنیت اقتصادی است، دور می‌کند و باعث تداخل آن با کارگزاری اقتصادی می‌شود که وظیفه او نیست. بر این اساس، قوانین بیشتر به نفع دولت تصویب می‌شود تا بتواند نفع بیشتری ببرد و آن را در جهت سیاست‌های کارگزاری مورد استفاده قرار دهد. این در حالی است که دولت از وظایفش هیچ‌گونه تخطی نداشته باشد و کاملاً مردمی عمل کند که در غیر این صورت، عملکردش به مراتب نامساعدتر خواهد شد.

دوگانه کردن اقتصاد و در تعارض قرار دادن دو بخش خصوصی و دولتی، به افزایش عدم کارایی فعالیت اقتصادی منجر می‌شود؛ زیرا این تعارض و تقابل نمی‌تواند به شکل رقابتی سازنده باشد، بلکه به شکل دو جناح متخاصم تشکل می‌یابند؛ چون یک بخش به قدرت دولتی مجهز است و بخش دیگر، فاقد این نیرو می‌باشد که عملاً توازن قوا به سمت بخش دولتی متمایل خواهد شد. روشن است که تلاش بخش خصوصی در برهم زدن این توازن، در موارد گوناگون به فسادهای بوروکراتیک مالی نیز می‌انجامد که وخامت اوضاع را تشدید می‌کند (بیدآباد، ۱۳۷۷، ص ۱۰). این شرایط در مواقعی که دولت زیر فشارهای اقتصادی داخلی و خارجی است و منابع آن نیز محدود می‌شود، شدت می‌گیرد و به دلیل تقویت نامعقول‌تر بخش کارگزاری دولت، در امنیت اقتصادی اختلال به وجود می‌آید و این امر به تشدید رکود اقتصادی می‌انجامد. مطلوب آن است که دولت بر جایگاه واقعی خود بنشیند، برقراری و حفظ امنیت اقتصادی را بر عهده گیرد و کارگزاری اقتصادی را به ملت واگذارد (جامی، ۱۳۷۳، ص ۵۸).

۴. نقش توسعه سرمایه‌گذاری در خنثی کردن برخی عوامل بزهکاری

مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل بزهکاری در جامعه است. توسعه سرمایه‌گذاری باعث تضعیف عوامل اقتصادی بزهکاری همچون بیکاری، تورم، قاچاق کالا و شغل‌های کاذب و مانند آن است.

۴-۱. کاهش نرخ بیکاری

سرمایه‌گذاری باعث کاهش نرخ بیکاری می‌شود و از این راه بر کاهش نرخ بزهکاری نیز تأثیر می‌گذارد. افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌های خصوصی که نقش تعیین‌کننده آن در رشد اقتصادی کشور غیرقابل تردید است، با تحکیم بنیان مالکیت و تأمین امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای مردم و تعمیم و فراگیری هرچه وسیع‌تر آن در کشور، رابطه‌ای مستقیم دارد. هر اندازه امنیت مال، سرمایه، کسب و کار، دستمزد نیروی کار و حقوق افراد در روستا، شهر، مزرعه و کارخانه بهتر تعیین و تأمین شود، دلگرمی مردم به کار و کوشش در تولید و تجارت بیشتر شده، سطح بیکاری در کشور کاهش می‌یابد و اقتصاد رونق می‌گیرد.

ایجاد اشتغال مستلزم رشد و توسعه اقتصادی است که از راه سرمایه‌گذاری مؤثر قابل انجام می‌باشد. کار و اشتغال در فرهنگ اسلامی به عنوان امری واجب (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۹ / حرّ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۲، ص ۱۲) همچون عبادت (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۱۲) و جهاد (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۸۸) به شمار آمده است؛ زیرا کار پیش از آنکه یک نیاز اقتصادی باشد، نیازی انسانی است و بی‌گمان اگر کار و اشتغال جدی گرفته نشود، بروز ناامنی‌ها مانند اختلافات خانوادگی، تنش‌های فامیلی، دخالت‌های بی‌جا در زندگی دیگران، جرایم منافی عفت عمومی، قمار، اعتیاد، قاچاق، فرار از منزل و... را اجتناب‌ناپذیر می‌کند؛ چون به تعبیر برخی روایات، هوا و هوس از بیکاری برمی‌خیزد: «من الفراغ تكون الصبوة» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۱۰). امام علی در اشاره به گوشه‌ای از پیامدهای بیکاری فرمود: «اگر کار، مایه رنج و زحمت است، تداوم بیکاری باعث فساد و تباهی است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۷۴-۱۹۷).

۴-۲. کاهش تورم و فشار اقتصادی بر مردم

سوق‌نیافتن سرمایه‌ها به سمت سرمایه‌گذاری‌های سالم و مولد باعث افزایش نقدینگی در بازار و افزایش نرخ تورم خواهد شد. تورم و گرانی هزینه‌های زندگی باعث می‌شود افراد غیرکارآمد که درآمدشان زندگی ایشان را کفاف نمی‌دهد، برای تأمین نیازهای خود به هر کاری هرچند غیرقانونی دست بزنند. از مهم‌ترین عوامل محیطی

جرم می‌توان فقر، بیکاری، تورم و شرایط بد اقتصادی را نام برد که بر همه آحاد جامعه، اقشار، گروه‌ها و نهادها تأثیر می‌گذارد و آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ستوده، ۱۳۷۹، ص ۵۰).

هنگامی که دستمزد و حقوق کارگران و کارمندان به رغم افزایش‌های پولی سالیانه و افزایش بهره‌وری‌ها دائماً به دنبال نرخ تورم به کندی حرکت می‌کند، باعث می‌شود فساد اداری شیوع یابد. آن دسته از حقوق‌بگیران که قادر به سوء استفاده نیستند، اجباراً باید به شغل دوم و سوم پناه ببرند تا بتوانند کاهش قدرت خرید دستمزد و حقوق خود را جبران نمایند.

۳-۴. کاهش شغل‌های کاذب و قاچاق کالا

مشاغل کاذب شهری به آن دسته از مشاغل شهری گفته می‌شود که به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم به افزایش بهره‌وری نهایی کار تولیدی کمکی نمی‌کند و نیز حذف آنها تأثیر به سزایی در نیازمندی‌های تولید، توزیع، خدمات و کالاها ندارد. در برخی موارد حتی حذف این‌گونه مشاغل از صحنه تولید و توزیع کالا و خدمات باعث افزایش بهره‌وری نهایی کار تولیدی خواهد شد. بی‌رغبتی به سرمایه‌گذاری و فراهم‌نبودن زمینه‌های توسعه آن باعث گرایش سرمایه‌های داخلی به شغل‌های کاذب، گسترش کالاهای قاچاق، فقر و بیکاری، تکدی‌گری، سرقت و مانند آن، به عنوان نمونه‌هایی از آثار زیانبار ناامنی اقتصادی می‌شود.

قاچاق کالا در واقع پدیده‌ای است که هزینه‌های آشکار و پنهان بسیاری بر اقتصاد کشور تحمیل کرده، زمینه تهدید صنایع را فراهم می‌کند که برای نمونه، بیکاری و اشتغال کاذب از تبعات رایج قاچاق در جامعه است و نیز این پدیده مخرب، دولت را از بسیاری درآمدهایش مانند حقوق گمرکی، سود بازرگانی و در واقع حقوق ورودی محروم می‌کند و در نهایت باعث عدم تعادل درآمدها و هزینه‌های دولت می‌شود. یکی از مشاغلی که به دلیل فقدان سرمایه‌گذاری‌های سالم مورد استقبال قرار می‌گیرد، گرایش به شرکت‌های هرمی است که برای فرار از عناوین مجرمانه در قالب‌هایی مانند بازاریابی یا برخی قراردادهای دیگر معرفی می‌شود.

۵. سیاست کیفری و سرمایه گذاری

سیاست کیفری بخشی از سیاست جنایی در مفهوم موسّع است که با استفاده از ابزار حقوق کیفری درصدد کنترل بزهکاری می باشد و با سرمایه گذاری نیز از جهاتی مرتبط است؛ از یک سو، برخی موانع سرمایه گذاری مانند رفتارهایی که سرمایه و سرمایه گذار را به خطر می اندازد، مورد جرم انگاری قرار می گیرد که می توان از آن با عنوان حمایت کیفری از سرمایه گذاری یاد کرد. از سوی دیگر، برخی رفتارهای سرمایه گذاران را که با نظم عمومی جامعه در تعارض است، در یک شکل منطقی مورد جرم انگاری قرار می دهد. افراط در استفاده از ابزار کیفری در این بخش باعث کاهش انگیزه سرمایه گذار خواهد شد.

۵-۱. برخورد با بزهکاران یقه سفید

امروزه واژه بزهکار یقه سفید به بزهکارانی اطلاق می شود که با نفوذ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود بی آنکه نوعاً در جامعه رد پای از خود به جای گذارند و تحت تعقیب قرار گیرند، مرتکب جرایم فوق العاده خطرناک و زیانبار می شوند (Sutherland, 1983, p.12). بزهکاری یقه سفیدها باعث می شود؛ اولاً، به دلیل نفوذ این گونه افراد، رقابت سالم و آزادی عملکرد در عرصه اقتصادی از بین برود؛ ثانیاً، باعث سلب اعتماد مؤسسه های اقتصادی و سیاسی، فعالیت ها و متولیان آنان شود؛ ثالثاً، اخلاق اجتماعی تضعیف شود. جرم شناسان نوعاً درباره اثرات منفی جرایم یقه سفیدها بر اقتصاد کشور ابراز نگرانی می کنند.

بخش قابل توجهی از سرمایه گذاری در جامعه به وسیله عموم مردم با خرید سهام بورس و عضویت در تعاونی ها و مانند آن صورت می گیرد. شهروندان باید اعتماد و اطمینان داشته باشند که متولیان شرکت ها و مؤسسه های تجاری با انگیزه های مشروع و همراه با وجدان کاری، خود را در قبال دیگران نیز مسئول می دانند و هدف های معقولی را مد نظر قرار می دهند و منافع های مشترکی را تأمین می کنند و فقط به فکر تأمین منافع سرمایه داران نیستند. اگر شهروندان چنین اطمینانی نداشته باشند و بر این باور

باشند که تصمیم‌های شرکت‌ها و مؤسسه‌های تجاری با انگیزه‌های منفعت‌طلبانه و خودخواهانه گرفته می‌شوند، از حمایت‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی سر بازمی‌زنند. شهروندان از مقامات عمومی انتظار دارند که درستکار باشند و بسیار جدی با کسانی که به خدعه و فریب متوسل می‌شوند و به بهره‌کشی اقتصادی مبادرت می‌ورزند، برخورد کنند. انتظار عمومی این است که نظام عدالت کیفری با موارد تقلب و سوء استفاده از موقعیت سازمانی، به همان سرعت و جدیت جرایم کوچک برخورد کند. مجازات‌شدن بزهکاران بانفوذه و دارای مصونیت، یک خواست عمومی است.

هرگاه شهروندان، فساد مالی و اداری را در میان مقام‌های عمومی مشاهده کنند و یا شاهد آن باشند که بزهکاران یقه‌سفید با استفاده از مصونیت خود از تعقیب و مجازات، مبادرت به نقض قانون می‌کنند، این مسئله باعث از دست دادن اعتماد نسبت به بی‌طرفی و قابل اطمینان بودن دولت است و بر مشارکت عمومی در سرمایه‌گذاری تأثیر منفی دارد. در یکی از تحقیق‌های تجربی محدودی که درباره چنین مواردی صورت گرفت، محققان دریافتند که اتهام‌های ارتشا و فساد مالی یا دیگر اشکال جرایم یقه‌سفیدان، باعث ایجاد یأس از کارآمدی قانون می‌شود (وطن‌دوست، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱). امام علی ضمن آنکه تجار، سرمایه‌گذاران و صنعتگران را جزء طبقات اصلی جامعه می‌شمرد که امور جامعه می‌تواند به دست آنان اصلاح شود؛ ولی در برابر مجرمان اقتصادی موضع‌گیری جدی و قاطع دارند. برخی گروه‌های مرفه جامعه برای پیشبرد اهداف اقتصادی خود سعی دارند به طبقات حاکمیت نزدیک شوند و از این راه، امتیازات لازم را به دست آورند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۷۶).

۲-۵. برخورد کیفری شدید با فساد اداری

فساد اداری اعم از اینکه در سطح کلان و عمده باشد و به طور سازمان‌یافته ارتکاب یابد - چنان‌که در بزهکاری یقه‌سفیدها اشاره شد - یا به گونه جزئی و خرد مطرح باشد، بر رشد منفی سرمایه‌گذاری در کشور اثرگذار است. شیوع ناهنجاری‌هایی همچون رشوه‌خواری، سوء استفاده از سمت دولتی و اموال عمومی و یا اعمال نفوذ ناروا و یا نگاه سیاسی به جای رویکرد علمی و در نظر گرفتن منافع ملی، اثرات ناگواری بر روند رشد و توسعه کشور دارد. به همین دلیل، در همه نظام‌های سیاسی، برخی از

رفتارهای مورد اشاره با عنوان‌های کیفری رشوه، اختلاس، سوء استفاده از اموال دولتی و مواردی از این دست، جرم تلقی شده است. اهمیت این‌گونه جرایم به ویژه زمانی که منافع اقتصادی و اجتماعی جامعه قربانی تبلیغات یا رقابت‌های انتخاباتی می‌گردد، بر کسی پوشیده نیست. بر این اساس، مشاهده می‌شود که مبارزه و مقابله با فساد اقتصادی در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد و فساد به عنوان عامل بازدارنده رشد و توسعه کشورها معرفی می‌گردد و اقدامات گسترده بین‌المللی برای مقابله با آن تدارک دیده می‌شود. تصویب «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد» (United Nation Convention Against Corruption) معروف به «کنوانسیون مریدا» که به سرعت مورد اقبال کشورها به ویژه کشورهای جهان سوم قرار گرفته است و به عنوان یک سند الزام‌آور بین‌المللی تلقی می‌شود، بیانگر اهمیت مبارزه با فساد، نه تنها در سطح ملی، بلکه عاملی برای فعالیت سالم اقتصادی در سطح بین‌المللی است.^{*} در ایران، قوانین کیفری ملی مانند قانون تشدید مجازات اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری ۱۳۶۷، مجازات‌های شدیدی را برای مبارزه با فساد پیش‌بینی کرده‌اند. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران جزء کشورهایی است که کنوانسیون مریدا را امضا کرده، به این کنوانسیون ملحق شده است (نوذری فردوسی، ۱۳۹۰، ص ۷۲).

سازمان‌های مقابله‌کننده با فساد؛ مانند دستگاه قضایی و نهادهای نظارتی، نقش بسیار مهمی در این باره دارند. بسیاری از مشکلاتی که به فرار سرمایه‌ها منجر می‌شود، به عدم رعایت قوانین و دستورالعمل‌های قانونی بازمی‌گردد. بسیاری از موافقت‌نامه‌های اصولی و فنی زیان‌آور، تأییدیه‌های سلامت، استاندارد و سازگار با محیط زیست بودن در مورد کالاهای پرمصرف، زیان‌آور و غیراستاندارد، اغماض از تخلفات تولیدکنندگان یا عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، از راه فراگیرشدن فساد اداری و اقتصادی صادر می‌شود. وقتی چنین رویه‌ای غالب شد، تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران سالم را نیز در دوراهی حذف‌شدن یا تن‌دادن به وضعیت جاری قرار می‌دهد. بدین ترتیب به نظر

* این کنوانسیون طبق ماده ۶۸ خود که الحاق ۳۰ کشور امضاکننده را برای لازم‌الاجرا شدن ضروری اعلام کرده بود، در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵م لازم‌الاجرا شده است.

می‌رسد مبارزه مؤثر با فساد، به ویژه مبارزه پیشگیرانه، یکی از پیش شرط‌های سرمایه‌گذاری سالم در جامعه است.

از جمله عوامل اقتصادی گسترش فساد می‌توان به دولتی‌شدن بیش از اندازه خدمات و فعالیت‌های عمومی، خصوصی‌سازی افسارگسیخته و بدون نظارت، فقر معیشتی کارمندان و مدیران، تورم افسارگسیخته، توزیع نامناسب درآمدها در جامعه و وجود فاصله طبقاتی اشاره کرد (همان، ۱۳۹۰، ص ۷۲). امام علی بازرگانی و تجارت سالم را مورد تأیید و توصیه قرار می‌دهد و در حکم انتصاب مالک اشرار می‌فرماید: «درباره بازرگانان و صنعتگران به تو سفارش می‌کنم؛ زیرا اینان سرچشمه سودها و ابزار آسایش جامعه‌اند». در ادامه فراز پیشین، می‌فرماید:

در میان آنان افرادی تنگ‌نظر، فوق‌العاده بخیل و محتکر وسایل مورد نیاز مردم وجود دارد که در نرخ‌گذاری مطابق میل خود رفتار می‌کنند. چنین وضعی برای مردم، زیانبار و برای حاکمان، ننگ و عیب است؛ بنابراین از احتکار جلوگیری کن، به آنان اخطار بده، اگر توجه نکردند، آنان را کیفر بده، بدون آنکه افراط و زیاده‌روی باشد (رضی، ۱۳۹۵، ص ۴۳۸).

امام علی در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشرار برای مقابله با فساد اداری سه راهکار اساسی را مطرح کرده‌اند.

۱-۲-۵. دقت در گزینش و تأمین نیازها

ایشان ضمن توجه به خصوصیات فردی و زمینه‌های اجتماعی و حتی خانوادگی افراد، توصیه می‌کنند:

سپس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش، به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت، آنان را به کارهای مختلف وادار نکن؛ زیرا نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا، از خاندان پاکیزه و باتقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرمی‌تر و آبروی‌شان محفوظ‌تر و طمع‌ورزی‌شان کمتر و آینده‌نگری آنان بیشتر است (همان، ص ۴۳۳).

و در ادامه می‌فرماید:

سپس رزق و معیشت آنان را تأمین کن که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر بکوشند و با بی‌نیازی دست به اموال بیت‌المال نزنند و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند. از جهت بذل و بخشش آنقدر به آنان اعطا کن که مشکل‌شان برطرف و نیازشان کم شود (همان، ص ۴۳۳).

۵-۲-۲. بازرسی و نظارت

ضعف نظارت و بازرسی یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست جنایی در کشور ماست. حلقه مفقوده میان مباحث تربیتی و آموزشی و اقدامات کیفری عبارت از نظارت و بازرسی دقیق است که با خلط حریم عمومی و خصوصی مغفول مانده است. در اسلام بزه‌پوشی و عدم تجسس در حریم خصوصی شدیداً مورد تأکید است همان‌گونه که نظارت و بازرسی دقیق در حریم عموم به همان شدت مورد توجه و تأکید است. ایشان در این باره می‌فرمایند:

کارهای کارکنان را مورد بررسی قرار ده و بازرسانی راستگو و باوفا بر آنان بگمار؛ زیرا مراقبت‌های پنهانی آنان انگیزه‌ای است که امانت‌دار بوده و با مردم مدارا نمایند (همان، ص ۴۳۴).

بازرسی سالم و مستمر، نیاز حیاتی و اساسی جامعه ماست که متأسفانه جدی گرفته نشده است. مناصب دولتی و محل کار، همانند حریم خصوصی افراد نیست؛ به همین دلیل، علاوه بر نظارت رسمی و علنی، به نظارت مخفی و غیرعلنی نیز تأکید شده است.

۵-۲-۳. برخورد کیفری شدید در صورت خیانت

در اعمال واکنش، فرض بر این است که گام‌های پیشینی انجام شده است و فرد به رغم اتمام حجت، به خیانت و ارتکاب جرم دست می‌زند؛ پس نوبت به واکنش می‌رسد. یکی از ویژگی‌های برخورد و شیوه واکنش امام در مقابل بزهکاران درون حکومت، این بود که بدون در نظر گرفتن هرگونه مصلحت‌جویی، بهانه حفظ حیثیت نظام و مانند آن، با خیانتکاران درون نظام برخورد جدی داشت و ضمن مجازات و

رسوا کردن آنان، موقعیت ارتکاب جرم را از آنان سلب می نمود. ایشان در نامه خود خطاب به مالک اشتر می نویسند:

اگر یکی از آنان (کارگزاران حکومتی) دست خیانت دراز کرد و خبرهای شاهدان مورد اعتماد تو آن را تأیید کردند، به این اکتفا کن و پس از آنکه او را مجازات بدنی کردی و آنچه از عملش به دست آورده، از او گرفتی، او را به موقعیت خواری و ذلت بنشان و نشان خیانت به او بده و قلاده ننگ اتهام به گردنش بیاویز .. (همان، ص ۴۳۶).

در بیان دیگری ضمن تأکید بر عدم مسامحه با مجرمان یقه سفید، می فرمایند: افراد خوار و خفیف شمرده شده نزد من عزیزند تا حقشان را بگیرم و افراد قوی نزد من ضعیف اند تا زمانی که حقوق پایمال نموده را از ایشان بستانم (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ص ۵۵).

۳-۵. دامنه جرم انگاری در حوزه فعالیت های اقتصادی

جرم انگاری فرآیندی است که طی آن قانونگذار جامعه اعمالی را که در تضاد با منافع اجتماع و افراد می بیند، ممنوع می کند و مجازات هایی را برای آن در نظر می گیرد. هر اندازه رفتارهای جدید در مرحله قانونگذاری جرم انگاری می شود و دامنه قوانین گسترده تر شود، مجرمان بیشتری نیز به وجود می آید؛ بنابراین جرم انگاری و ایجاد محدودیت در زندگی افراد نباید بدون ضابطه و خارج از اهداف و ضرورت های جامعه و افراد باشد. یک سیاست جنایی مؤثر و کارآمد، در به کارگیری تدابیر غیرکیفری اعم از اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای اصلاح جامعه و پیشگیری از بزهکاری بیشترین تلاش خود را می گمارد و تدابیر کیفری و قضایی را به عنوان ضرورت در آخرین مرحله می پذیرد.

از جمله عوامل بروز تورم قوانین کیفری را می توان به مواردی مانند: تعدد مراجع تقنین، مکانیسم نادرست تقنین، ضعف علمی مقنن در مبانی و اصول جرم انگاری، عدم توجه به اصول و فنون قانونگذاری و قانون نویسی اشاره کرد. تورم قوانین، پایه و زیربنایی برای ایجاد دیگر معضلات مانند افزایش تعداد بزهکاران، وقفه در عملکرد

نهادهای نظام عدالت کیفری، سیر صعودی رقم بزهکاری، کاهش کارایی مجازات در یک نظام کیفری خواهد بود. ایجاد مکانیسم صحیح تقنین، جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی از جمله راهکارهایی است که می‌توان برای خروج از بحران ارائه داد. بیکر هوارد از مخالفان جرم‌انگاری‌های افراطی در کتاب *جامعه‌شناسی انحراف*، نوشته است:

در مراحل وضع قوانین کیفری، هرچقدر مکانیسم جرم‌انگاری قانونی فعال‌تر و اعتماد به کارایی حقوق جزا و اقتدار آن بیشتر می‌شود، سیاهه جرایم قانونی و به تبع آن سیاهه جرایم واقعی نیز افزون‌تر می‌گردد و این امر موجب جرم‌انگاری افراطی و بی‌رویه در سیستم عدالت کیفری خواهد شد (بازوند، ۱۳۷۹، ص ۸۶).

وی با انتقاد از جرم‌انگاری‌های افراطی و طرفداری از جرم‌زدایی معتقد است نباید حقوق جزا را به عنوان تنها سرکوبگر و تنها ابزار مبارزه با جرم تلقی کنیم (همان). با وجود اینکه جرم‌انگاری و جرم‌زدایی، دو سازوکار مهم در سیاست جنایی محسوب می‌شوند، در کشور ما نه تنها توجهی به جرم‌زدایی صورت نمی‌گیرد، بلکه قانونگذار روز به روز بر محدوده جرم‌انگاری‌ها می‌افزاید و تعداد بیشتری از افراد جامعه را در معرض خوردن برچسب مجرمانه قرار می‌دهد. جرم‌شناسان، شکست اصلاح و درمان از راه زندان را ناشی از دو امر می‌دانند: نخست، جرم‌انگاری افراطی و تورم کیفری که گستره حقوق جزا را بازتر و حیطه مداخله کیفری را افزون‌تر کرده است؛ دوم، استفاده گسترده از زندان به عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین مجازات که عملاً نتوانسته است چنین نقشی ایفا کند (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۸). دلایل بسیاری برای کاهش جرایم در دهه اخیر مطرح شده است که از جمله آنها شیوه‌های جدید پلیسی، تغییر توزیع سنی امریکایی‌ها، شکوفایی اقتصاد، محکومیت‌های حداقل الزامی و نرخ‌های بالای زندانی‌شدن را می‌توان برشمرد. دو دلیل آخر، با محیط حقوقی ارتباط مستقیم دارند.

تعدی به مالکیت‌های اولیه (اموال، دارایی، منافع و...) از راه افعال مجرمانه، به وسیله قانون جزا جلوگیری می‌شود. از آنجا که جامعه باید ارزش بالایی برای زندگی انسانی و قوانین جاری متعلق به مالکیت قائل باشد، مایل نیست آثار منفی جرایم را تحمل کند؛ بنابراین فقط با تبدیل قوانین مالکیت به قوانین مسئولیت و صرف مطالبه و جبران

خسارت برای قربانی، قانع نمی‌شود، بلکه برای پیشگیری از این‌گونه آثار در آینده، مجازات‌های کیفری وضع می‌کند.

۶. حمایت از سرمایه‌گذاری در قوانین، مصوبات و دستورالعمل‌ها

قانونگذار ایران در قانون اساسی و برخی قوانین عادی برخی تمهیدات تقنینی را برای حمایت از سرمایه‌گذاری در نظر گرفته که مجریان سیاست جنایی و سیاست‌های اقتصادی می‌توانند از آنها بهره بگیرند. البته لازم به ذکر است که این تمهیدات کافی نیست. در اینجا به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم:

۶-۱. قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصولی پیش‌بینی شده است که به مالکیت و سرمایه‌گذاری ناظر می‌باشد و اصول حاکم بر سیاست جنایی را نیز تعیین می‌کند. طبق اصل ۴۴، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد، از محدوده قوانین اسلام خارج نشود، باعث رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است. اصل ۴۶ و ۴۷، مالکیت خصوصی را به رسمیت می‌شناسد و مقرر داشته است که هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش می‌باشد و هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند. براساس اصل ۴۹، دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایرکردن اماکن فساد و دیگر موارد غیرمشروع را بگیرد و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم‌نبودن وی، به بیت‌المال بدهد. اصول و خط مشی کلی سرمایه‌گذاری و محدودیت‌های آن در برخی اصول قانون اساسی - چنان‌که اشاره شد - بیان شده است.

۶-۲. قانون رفع برخی موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی (مصوب ۱۳۸۶/۵/۷)

به موجب این قانون، صنایع آلوده‌کننده محیط زیست متناسب با درجه آلاینده‌گی، تا یک درصد قیمت فروش مشمول پرداخت عوارض می‌شود. به موجب ماده ۶ این قانون، وزارت نفت مکلف است گاز مورد درخواست واحدهای صنعتی را با اولویت تأمین نماید. سازمان حفاظت محیط زیست نیز موظف شده است به استعلام‌هایی که به منظور صدور پروانه بهره‌برداری واحدهای صنعتی و معدنی صورت می‌پذیرد، ظرف مدت یک ماه پاسخ دهد و در صورت عدم موافقت، دلایل آن را به استعلام‌کننده به صورت کتبی ارائه نماید. وزارتخانه‌های صادرکننده پروانه‌های صنعتی موظف‌اند در صورت عدم دریافت پاسخ سازمان، نسبت به صدور پروانه بهره‌برداری اقدام نمایند. در این قانون، اصلاحاتی نیز نسبت به قانون کار صورت گرفته است که مهم‌ترین آن، دادن اختیار فسخ قرارداد به کارفرما با قید حق فسخ در قرارداد است که پیش اشاره شد.

۶-۳. دستورالعمل حمایت قضایی از سرمایه‌گذاری

این دستورالعمل که در تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ تصویب شد و به تأیید ریاست قوه قضائیه رسید، همه واحدهای قضایی، اداری و سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه را به استفاده از حداکثر ظرفیت قانونی خود در جهت اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مکلف نموده است. این دستورالعمل همچنین به بیان وظایف نهادهایی مانند سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر نظارت بر حسن اجرای قوانین در وزارتخانه‌ها، سازمان‌های اداری، شناسایی موانع صدور مجوز برای فعالیت‌های سالم اقتصادی و گلوگاه‌های موجب اطاله صدور مجوز و ارائه پیشنهاد برای رفع علل اطاله در اعطای تسهیلات به تجار و سرمایه‌گذاران، به ویژه در بحث ترانزیت کالا، گمرک و مانند آن، پرداخته است.

مواردی مانند شناسایی قصور و تقصیر متولیان دستگاه‌های دولتی به ویژه آن دسته از ترک فعل‌ها که عملاً باعث ایجاد اختلال در نظام اقتصادی و سرمایه‌ای کشور

می‌گردد، شناسایی و ارائه گزارش از موانع جذب سرمایه‌های خارجی به کشور به ویژه کشف عوامل اخلال در امنیت سرمایه گذاری و ارائه پیشنهادات کاربردی به رئیس کمیته در این دستورالعمل مورد توجه قرار گرفته است. در جهت حمایت قضایی از سرمایه گذاری در هر استان، کمیته‌های حمایت قضایی استانی با ترکیب رئیس کل دادگستری استان یا جانشین او (رئیس کمیته)، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان (دبیر کمیته)، مدیر کل دفتر بازرسی استان، رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مرکز استان و مدیر کل ثبت اسناد و املاک استان تشکیل می‌شود. از جمله وظایف کمیته‌های حمایت قضایی استانی عبارت است از: تعامل و تبادل نظر با متولیان امور اقتصادی در سطح استان از جمله ادارات اقتصاد و دارایی، اتاق بازرگانی، استانداری، بانک‌های عامل، صنایع و معادن و... در جهت حمایت از سرمایه گذاری و تسهیل در امور مربوطه، به کارگیری تدابیر لازم به منظور رسیدگی فوری به دعاوی مربوط به سرمایه گذاران در دادسراها و محاکم عمومی و انقلاب، نظارت بر صدور قرارهای تأمین اموال (به وسیله دادستان‌های مربوطه، به منظور جلوگیری از توقف امور سرمایه گذاران) و نیز قرارهای تأمین کیفری به ویژه صدور قرار بازداشت موقت به گونه‌ای که باعث بازداشت سرمایه گذار نشود (جز در مواردی که قانون اجبار کرده است)، تعامل نظام مند و مستمر با فعالان بخش خصوصی برای اطلاع از مسائل و مشکلات حقوقی و قضایی سرمایه گذاری، ایجاد بانک اطلاعات به منظور شناسایی شرکت‌های سرمایه گذاری در استان از جهت آمار شرکت‌ها و نوع فعالیت آنها با همکاری اتاق بازرگانی استان، اقدام پیشگیرانه و حمایتی برای جلوگیری از ورشکستگی و ایجاد زمینه تداوم فعالیت تاجر بدهکار.

۶-۴. قانون مجازات اسلامی

قانونگذار، سرمایه گذاری به هر قیمتی را بر نمی‌تابد. اگر سرمایه گذاری باعث لطمه به هنجارهای اجتماعی شود، طبعاً حمایت خود را از آنها برمی‌دارد یا با ابزار جرم‌انگاری با آن مقابله می‌کند. در قوانین جزایی به ویژه قانون مجازات اسلامی، مواردی از جرم‌انگاری به سرمایه گذاری یا استفاده از سرمایه مربوط می‌شود که اجمالاً به مواردی اشاره می‌کنیم.

۶-۴-۱. جرم‌انگاری ربا

به موجب ماده ۵۹۵، هرگونه توافق میان دو یا چند نفر تحت هر قراردادی همچون بیع، قرض، صلح و مانند آن، جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زاید بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید، ربا محسوب شده، جرم شناخته می‌شود. مرتکبان اعم از ربا‌دهنده، رباگیرنده و واسطه میان آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال، به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند.

۶-۴-۲. جرم‌انگاری ساخت و خرید و فروش مشروبات الکلی و دایرکردن قمارخانه

براساس ماده ۷۰۳، هرکس مشروبات الکلی را بسازد، بفروشد، در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند و یا در اختیار دیگری قرار دهد، به سه ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی یا یک یا دو مورد از آنها محکوم می‌شود. دایرکردن محل برای شرب خمر در ماده ۷۰۴، خرید و فروش آلات قمار در مواد ۷۰۶ و ۷۰۷ و دایرکردن قمارخانه نیز در ماده ۷۰۸ پیش‌بینی شده است.

۶-۵. قانون مبارزه با پولشویی (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲)

پولشویی را که از آن به شریان خون تجارت جهانی مواد مخدر و دیگر جرایم سازمان‌یافته فراملی تعبیر می‌کنند، می‌توان آخرین مرحله فرآیند هربار قاچاق مواد مخدر و دیگر جرایم سازمان‌یافته به حساب آورد. عقیم‌ماندن این مرحله در بازدارندگی از ارتکاب جرایم، اهمیت بسیار دارد؛ چون اگر درآمد ناشی از جرم صادره شود و بزهکار به شست و شوی پول خود و استفاده از آن موفق نشود، به دنبال تجارت سالمی می‌رود که به خود او متعلق باشد و با خطر صادره مواجه نشود. جرم پولشویی عبارت است از: «هرگونه تبدیل یا تغییر یا نقل و انتقال یا پذیرش یا تملک دارایی با منشأ غیرقانونی، به طور عمدی و با علم به آن برای قانونی جلوه‌دادن دارایی».

قانون مزبور ضمن تأکید بر اصل بر صحت و اصالت معاملات، جز مواردی که براساس مفاد این قانون خلاف آن به اثبات برسد، مصادیق جرم پولشویی را به شرح ذیل احصا می‌کند:

- الف) تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد.
- ب) تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ غیرقانونی آن با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد.
- ج) اخفا یا پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.

این قانون برای شناسایی معاملات مشکوک و به منظور مقابله با جرم پولشویی، شورای عالی مبارزه با پولشویی را به ریاست و مسئولیت وزیر امور اقتصادی و دارایی و با عضویت وزرای بازرگانی، اطلاعات، کشور و رئیس بانک مرکزی پیش‌بینی کرده است. در ماده ۷، اشخاص، نهادها و دستگاه‌های مشمول این قانون بر حسب نوع فعالیت و ساختار سازمانی خود مکلف‌اند؛ اولاً، هویت ارباب رجوع و در صورت اقدام به وسیله نماینده یا وکیل، احراز سیمت و هویت نماینده و وکیل و اصیل در مواردی که قرینه‌ای بر تخلف وجود دارد را احراز نمایند. براساس ماده ۹ این قانون، مرتکبان جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حال (و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن)، به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می‌شوند که باید به حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد.

آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی مصوب هیئت وزیران، به مواردی از جمله پیش‌بینی وظیفه افراد مسئول در گزارش موارد پولشویی (ماده ۲۵)، گزارش معاملات بیش از سقف تعیین‌شده به صورت نقدی (ماده ۲۶)، الزام به خرید و فروش فقط به وسیله صرافی‌های مجاز و سیستم بانکی (ماده ۲۸)، الزام به نگهداری اسناد معاملات و

پرداخت‌ها به مدت پنج سال (ماده ۳۳) و الزام به برگزاری آموزش‌های ضمن خدمت برای مبارزه با پولشویی (ماده ۳۵) توجه کرده است.

از نگاه مفسران، اکل مال بالباطل که در قرآن آمده است، مفهوم عام دارد و هرگونه استفاده نامشروع از اموال را شامل می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۸۰، ص ۵۰۸)؛ بنابراین عملیات تطهیر پول نیز عمل باطلی است که در نهایت باعث استفاده و اکل اموال نامشروع به وسیله بزهکاران و مجرمانی می‌شود که مرتکب جرایم سودآور شده‌اند.

نتیجه

نقش برجسته یک سیاست جنایی کارآمد در توسعه سرمایه‌گذاری و در مقابل نقش اساسی سرمایه‌گذاری در دستیابی به اهداف سیاست جنایی یعنی کاهش آمار جرایم، نتیجه کلی است که از مجموع مباحث طرح‌شده در این مقاله به دست آمد. از نتایج توسعه سرمایه‌گذاری می‌توان به اشتغال، کاهش بیکاری، فقرزدایی و کاهش فاصله طبقاتی اشاره نمود؛ زیرا قرارگرفتن سرمایه صاحبان سرمایه در مسیر تولید و توسعه باعث محرومیت‌زدایی، کاهش قیمت‌ها و رفاه طبقات محروم جامعه است. به عکس، قرارگرفتن سرمایه در مشاغل کاذب و واسطه‌ای باعث افزایش قیمت‌ها و در نتیجه افزایش فاصله طبقاتی، فقر و محرومیت طبقات ضعیف اقتصادی جامعه است. عوامل اقتصادی از جمله مهم‌ترین عوامل بزهکاری است که مقابله با آن به وسیله راهکارهای اقتصادی به ویژه توسعه سرمایه‌گذاری میسر است. اهمیت عوامل اقتصادی تا آنجاست که در آموزه‌های اسلامی وجود آنها گاهی باعث کفر، سرکشی و طغیان تلقی شده است؛ بنابراین باید همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی سرمایه‌گذاری را برطرف ساخت تا این مهم در نتیجه آن حاصل گردد.

نقش سیاست جنایی در توسعه سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از ابزارها و راهبردهای مهم است. مهم‌ترین نکاتی که در این باره باید بدان توجه شود، عبارت‌اند از: اولاً، در یک سیاست جنایی مؤثر و کارآمد باید از جرم‌انگاری افراطی در حوزه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری اجتناب شود؛ زیرا جرم‌انگاشتن رفتارهای اقتصادی به طور گسترده، غیرضروری و افراطی باعث می‌شود امنیت خاطر سرمایه‌گذاران از میان برود و دولت را

به عنوان رقیبی که دارای یک شرایط رقابتی نابرابر، غیرعادلانه و ابزاری همانند قانونگذاری غیرمنطقی است، به عنوان مانعی در مقابل خود ببیند و از به خطرانداختن سرمایه خود در چنین زمینه‌ای اجتناب کنند. بر این اساس، باید در کنترل هنجارها در سرمایه‌گذاری به جای استفاده از اهرم حقوق کیفری، بیشتر به روش‌های اقتصادی و غیرحقوقی توجه نمود؛ ثانیاً فساد اداری و بزهکاری یقه‌سفیدان به ویژه در درون حاکمیت، یکی از عوامل مهم شکست سرمایه‌گذاران در جامعه است. وقتی افرادی با استفاده از رانت، بدون پرداختن عوارض گمرکی و... به واردات بی‌رویه کالاهایی می‌پردازند و سرمایه‌گذار را از میدان بیرون می‌کنند و به ورشکستگی می‌کشاند یا به همین روش، موافقت اصولی و مجوزهای فعالیت در هر حوزه مد نظر خود را می‌گیرند، در حالی که دیگران چنین فرصتی را ندارند، نابرابری هزینه‌ها باعث اختلال در نظام سرمایه‌گذاری می‌شود. ورود سرمایه‌های نامشروع به سرمایه‌گذاری و پولشویی از راه سرمایه‌گذاری بسیار موقت و گذراست؛ زیرا آن دسته از سرمایه‌گذاران متخلف فقط درصد استفاده از سرمایه‌گذاری به عنوان پلی برای عبور از خطرات کشف جرایم خود می‌باشند و قصد سرمایه‌گذاری طولانی مدت ندارند. سرمایه‌های آنان به بازار سیاه مواد مخدر و دیگر سرمایه‌گذاری‌های پُرسود ولی مضر به جامعه بازمی‌گردد. سیاست جنایی باید از ابزار کیفری خود به طور شایسته در برخورد با این‌گونه جرایم استفاده کند؛ ولی متأسفانه این‌گونه نیست. برخوردهای کیفری بسیار شدید فقط به شکل سطحی با کسانی صورت می‌گیرد که سازمان‌دهندگان و مرتکبان اصلی این‌گونه جرایم نیستند، بلکه به دلیل فقر شدید فکری، فرهنگی و نیز مالی، به عنوان ابزاری در اختیار مباحثان این‌گونه جرایم قرار می‌گیرند؛ زیرا پس از دستگیری، حبس یا اعدام آنها، بلافاصله افراد دیگری جایگزین می‌شوند و ماجرا همچنان ادامه می‌یابد. ضعف بنیاد سیاست جنایی در مبارزه با بزهکاری یقه‌سفیدها باعث انحراف سرمایه از مسیر سالم و سازنده به مسیرهای واسطه‌ای و کاذب شده است و این چالش بزرگی در سیاست جنایی ما محسوب می‌شود. با الهام از آموزه‌های اسلامی به ویژه فرمایشات امیر مؤمنان علی و به خصوص نامه ۵۳ **نهج البلاغه** که قدیمی‌ترین منشور حکومتی است و مخاطب خاص آن حاکمیت جامعه اسلامی - مالک / شتر به عنوان والی مصر - بوده، والاترین جلوه سیاست جنایی در مقابله با یقه‌سفیدها قابل تدوین و اجراست.

منابع

۱. آشوری، محمد؛ جایگزین‌های مجازات یا مجازات‌های بینابین؛ تهران: نشر گرایش، ۱۳۸۲.
۲. ابن ابی‌الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۸.
۳. بازوند، شهاب؛ «تحولات نظام کیفری اسلام پس از انقلاب در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس؛ تهران: دانشگاه مدرس، بهمن ۱۳۷۹.
۴. بیدآباد، بیژن؛ «نقش امنیت اقتصادی در رشد سرمایه‌گذاری»؛ مجله تازه‌های اقتصاد؛ تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ش ۷۳، آذر ۱۳۷۷، ص ۷-۱۱.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ج ۱، قم: مکتب‌الأعلام الإسلامی، ۱۴۱۱ق.
۶. جامی، فهیمه؛ «امنیت اقتصادی و توسعه؛ پیوندها و کنش‌های متقابل»؛ مجله مجلس و پژوهش؛ تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ش ۱۰، تیر و مرداد ۱۳۷۳، ص ۵۵-۵۸.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل‌الشیعة؛ بیروت: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق.
۸. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین؛ «عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری در ایران»؛ دو فصلنامه جستارهای اقتصادی؛ تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ش ۲، ۱۳۹۱.
۹. حسینی، سید محمد؛ سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۱، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.

۱۰. حکیمی، محمد؛ پدیده شناسی فقر و توسعه؛ قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۱۱. رضی، شریف ابوالحسن محمد؛ نهج البلاغه؛ تحقیق صبحی صالح؛ قم: مرکز البحوث الاسلامیة، ۱۳۹۵ق.
۱۲. رهبر، فرهاد و فرشید مظفری خامنه؛ «زمینه‌های افزایش امنیت سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»؛ مجله مطالعات دفاعی استراتژیک؛ تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی ستاد کل نیروهای مسلح، ش ۳۰، تابستان و پاییز ۱۳۸۶، ص ۸۶-۵۵.
۱۳. ستوده، هدایت‌الله؛ آسیب‌شناسی اجتماعی؛ تهران: نشر آوای نور، ۱۳۷۹.
۱۴. شریف آزاده، محمدرضا؛ «تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی»؛ مجله نامه مفید؛ قم: دانشگاه مفید، ش ۳۸، مهر و آبان ۱۳۸۲، ص ۱۵۹-۱۹۲.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه‌الاعلمی، ۱۴۱۷ق.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ تفسیرالمیزان؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۷. عبیری، غلامحسین؛ «امنیت سرمایه‌گذاری»؛ مجله بانک و اقتصاد؛ تهران: بانک اقتصاد نوین، ش ۷۰، خرداد ۱۳۸۵، ص ۵۸-۶۲.
۱۸. غمامی، سیدمحمد مهدی؛ «مطالعه تطبیقی جنبه‌های کیفری حقوق کار»؛ مجله دادرسی؛ تهران: مؤسسه کیهان، ش ۵۹، آذر و دی ۱۳۸۵، ص ۲۱-۲۵.
۱۹. فراهانی فرد، سعید؛ سیاست‌های اقتصادی در اسلامی؛ تهران: نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.
۲۰. قحف، منذر؛ «مروری بر الگوهای اقتصاد اسلامی»؛ مجله اقتصاد اسلامی؛ ترجمه سیدحسین میرمعزی؛ ش ۲۱، ص ۱۵۷-۱۸۸، بهار ۱۳۸۵.
۲۱. کرباسیان، علی‌اکبر؛ «حلقه مفقوده در امنیت اقتصادی ایران»؛ مجله گزارش؛ ش ۶۵، ص ۵۰-۵۳، تیر ۱۳۷۵.

۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ فروع کافی؛ بیروت: انتشارات دارصعب، ۱۴۰۱ق.
۲۳. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: انتشارات مؤسسة الوفا، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ المقنعه؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
۲۵. مقصودی قجرلو، سیدخلیل؛ «مفهوم نرخ بهینه سرمایه گذاری»؛ مجله اقتصادی؛ تهران وزارت امور اقتصادی و دارایی، ش ۲۱ و ۲۲، تیر و مرداد ۱۳۸۲، ص ۴۹-۵۰.
۲۶. موسویان، سیدعباس؛ «اصلاح ساختار مؤسسات و ابزارهای مالی بازار پول و سرمایه بر اساس تعالیم اسلام»؛ مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق؛ تهران: دانشگاه امام صادق، ش ۲۵، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۴۳-۱۷۰.
۲۷. نوزری فردوسی، محمد؛ سیاست جنایی اسلام در قبال فساد اداری (مطالعه تطبیقی با موازین بین‌المللی)؛ تهران: رساله دکتری پردیس قم دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
۲۸. نوری، میرزا حسن؛ مستدرک الوسائل؛ بیروت: مؤسسة آل بیت دار احیا التراث، ۱۴۰۸ق.
۲۹. وطن دوست، رضا؛ «نگاهی به امنیت در آموزه‌های اسلامی»؛ مجله الهیات و حقوق؛ مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۲۵، پاییز ۱۳۸۶، ص ۹۵-۱۲۰.
۳۰. هاشم‌خانی، میثم؛ «اندیشه اقتصاد»؛ روزنامه دنیای اقتصاد؛ تهران، ش ۲۴۴۸، ۱۳۹۰.
31. Barro Robert; "Economic Growth in a cross section of countries"; National Bureau of Economic Research, 1989.
32. Sutherland, Edwin H.; White-Collar Crime; The uncut version: with an Introduction by Gilbert Geis and Colin Goff, New Haven, Yale University Press, 1983.
33. Walter McCahon; Definition for Investment; Ministry of Economic Development, Wellington, 17 September 2010.